



ذکر

ذکر، یعنی یادآوری چیزی که در مضاف‌الیه او می‌آید که غالباً در اصطلاح دینی بکار رفته و بر سه قسم بوده که عبارت از **ذکر لسانی** و **قلبی** و **عملی** می‌باشد.

فهرست مندرجات

- ۱ - معرفی اجمالی
- ۲ - معنای لغوی و اصطلاحی ذکر
- ۳ - فضایل و فواید ذکر
- ۴ - فضیلت ذکر خدا
- ۵ - حقیقت ذکر
- ۶ - انواع ذکر
- ۷ - اقسام ذکر
- ۷.۱ - ذکر زبانی
- ۷.۲ - ذکر قلبی
- ۷.۳ - ذکر عملی
- ۸ - آثار ذکر
- ۹ - اوصاف ذکر از منظر قرآن
- ۹.۱ - آرامش و اطمینان دل
- ۹.۲ - توجه خدا به انسان
- ۹.۳ - رستگاری
- ۱۰ - حقیقت ذکر
- ۱۱ - موانع ذکر
- ۱۱.۱ - دل مشغولی
- ۱۱.۲ - اموال و اولاد
- ۱۱.۳ - آرزوهای طولانی
- ۱۱.۴ - دوستان گمراه
- ۱۱.۵ - پیروی از هوای نفس
- ۱۱.۶ - چشم‌چرانی
- ۱۲ - نکوهش ترک ذکر خدا
- ۱۳ - پانویس
- ۱۴ - منبع

معرفی اجمالی

«ذکر»، یعنی یاد کردن، خواه با زبان باشد، یا با قلب یا با هر دو، بعد از **نسیان** باشد، یا بعد از ادامه ذکر.^[۱] قریشی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، ج ۳، ص ۱۵، به نقل از مفردات قرآن، اسلامیة.
به عبارت دیگر، ذکر حالت روحی خاصی است که **انسان** در آن حال، دانسته خویش را مورد توجه قرار می‌دهد و گاهی به یادآوری چیزی با زبان و گاهی به حضور چیزی در قلب گفته می‌شود.

معنای لغوی و اصطلاحی ذکر

ذکر در لغت به معنای این است که انسان چیزی را در خاطر خویش نگاه دارد و پیوسته به یاد آورد. این کلمه به معنای حفظ کردن نیز آمده است.
معنای اصطلاحی ذکر، یاد کردن زبانی و قلبی **خداوند** به **تکبیر**، **تسبیح**، **تحمید**، **تهلیل** و **حوقله** است. ذکر از اصطلاحات اسلامی است که بیش‌تر در مباحث اخلاقی مطرح است و پژوهش‌گران **علوم دینی** در دو عرصه **اخلاق** و **عرفان** بیش‌تر بدان پرداخته‌اند. ذکر اخلاقی، بر **تهذیب نفس** مبتنی است و ذکر عرفانی بر قرب خدا

[۱] راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات، ص ۱۷۹، ذیل واژه ذکر.
[۲] نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، ج ۳، ص ۳۶۵.

فضایل و فواید ذکر

از راه‌های پرورش ایمان، ذکر است. ذکرهای زبانی، وجود و حضور خداوند را به انسان تلقین می‌کند و ضمیر او را دگرگون می‌سازد و سرانجام به ذکر قلبی می‌انجامد. از دیگر فواید ذکر زبانی این است که زبان آدمی به **خیر** خوی می‌کند و به **طاعت الهی** مشغول می‌گردد.

[۴] مجلسی، مجد باقر، بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۵۱.
[۵] قمی، عباس، سفینه البحار، ج ۳، ص ۲۰۱.

مهم‌ترین فایده ذکر، تقرب به خدا است که غایت همه عبادات است.

ذکر خدا، وسوسه‌های شیطانی را از میان می‌برد؛

[۷] اعراف/سوره ۷، آیه ۲۰۱.

نواب و اجر اخروی می‌آورد به‌ویژه برای بندگانی که به امور دنیوی نیز مشغول‌اند.

[۸] نور/سوره ۲۴، آیات ۳۷-۳۸.

، مایه وقار و **هبت** و شوکت است، احساس پوچی و بیهودگی را می‌زاید، در زندگی مادی انسان نیز دارای اثر است.

[۹] طه/سوره ۲۰، آیه ۱۲۴.

و راه تربیت اخلاقی را هموار می‌سازد و این بدان سبب است که **غفلت** و فراموشی خدا از مهم‌ترین علل گناه‌کاری و بزه‌کاری است.

فضیلت ذکر خدا

ذکر خدا سیحان از بهترین و پاکیزه‌ترین اعمال نزد خدا، برترین لذت نزد دوست‌داران خدا، خوی و خصلت خوب مؤمنان و صالحان و نشان همنشینی با محبوب واقعی بوده و مایه شرافت و **رستگاری** انسان می‌باشد و در آیات قرآنی و **روایات اسلامی** مورد سفارش واقع شده است. **قرآن کریم** می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا...»؛

[۱۰] احزاب/سوره ۳۳، آیه ۴۱.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را بسیار یاد کنید...»

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «إِعْلَمُوا أَنَّ خَيْرَ أَعْمَالِكُمْ عِنْدَ مَلِيكِكُمْ وَ أَرْكَاهَا وَ أَرْفَعَهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ وَ خَيْرَ مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ، ذِكْرُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى فَإِنَّهُ أَخْبَرَ عَنْ تَفْسِيهِ فَقَالَ أَنَا خَلِيسٌ مِنْ ذِكْرَتِي؛

[۱۱] ابن فهد حلی، احمد، **عدة الداعی**، ص ۳۳۸.

بدانید که بهترین اعمال شما نزد خداوند و پاکیزه‌ترین آن‌ها و آنچه از همه بیشتر درجات شما را بالا می‌برد و بهترین چیزی که **آفتاب** بر آن تابیده، ذکر خدا

سیحان است؛ زیرا خداوند تعالی از خودیش خیر داده، فرمود: من همنشین کسی هستم که مرا یاد کند.»

علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «ذِكْرُ اللَّهِ سَجِيَّةٌ كُلِّ مَخْسِيْنٍ وَ شِيْمَةٌ كُلِّ مُؤْمِنٍ؛

[۱۲] آمدی، **عبدالواحد بن مجد**، شرح **غررالحکم**، ج ۱، ص ۳۷۰.

یاد خدا خصلت هر نیکوکار و خوی هر مؤمنی است.»

امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ إِلَّا الذِّكْرُ فَلَيْسَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ...»؛

[۱۳] کلینی، **مجد بن یعقوب**، **اصول کافی**، ج ۲، ص ۴۹۸.

هر چیزی را حدی است که به آن منتهی می‌شود، مگر ذکر که حدی ندارد که به آن پایان یابد...».

حقیقت ذکر

از آیات قرآنی و سخنان اولیای گرامی اسلام، استفاده می‌شود که ذکر عبارت است از یاد خدا در همه احوال و پیشامدها و توجه به حضور در محضر الهی و او را حاضر و ناظر بر اعمال و رفتار خویش دانستن و این‌که هیچ امری بر او پوشیده نمی‌ماند. از این‌رو، هنگام روبه‌رو شدن با تکالیف واجب به یاد خدا بوده، آن‌ها را انجام دهد و هنگام روبه‌رو شدن با محرمات و معاصی از خدا غافل نباشد، و از انجام آن پرهیز نماید، چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید:

«اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛

[۱۴] حشر/سوره ۵۹، آیه ۱۸.

از خدا ترسید که خدا به کارهایی که می‌کنید، آگاه است.»

«يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ؛

[۱۵] عاف/سوره ۴۰، آیه ۱۹.

خیانت‌های چشمان و آنچه سینه‌ها پنهان ساخته می‌داند.»

«وَ هُوَ مَعَكُمْ أَيْمًا كُنْتُمْ؛

[۱۶] حدید/سوره ۵۷، آیه ۴.

خدا با شماست، هر جا که باشید.»

«وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ؛

[۱۷] ق/سوره ۵۰، آیه ۱۶.

ما از رگ و رید به او نزدیک‌تر هستیم.»

در روایتی امام صادق از جمله سخت‌ترین تکالیف خداوند بر بندگانش را «ذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ مَوْطِنٍ» به یاد خدا بودن در هر جا شمرده، می‌فرماید:

«منظور از ذکر خدا، گفتن «سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْخَمْدَلِيهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ» نیست. گرچه این‌ها هم ذکر است. بلکه مقصود آن است که اگر انسان با **حرام خدا**

روبه‌رو شد، یاد خدا او را از آن باز دارد.»

[۱۸] مجلسی، **مجدباقر**، **بحارالانوار**، مجلسی، ج ۹۳، ص ۱۵۱.

امام صادق (علیه‌السلام) از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل کرده که فرمود:

«هر کسی که اوامر خدا را اطاعت نمود و از **گناهان** پرهیز کرد، همانا او ذاکر خداست، گرچه **نماز** و **روزه** (مستحبی) و **قرانت قرآن** او، اندک باشد و هر کس که

معصیت و نافرمانی خدا نماید، خدا را فراموش کرده، گرچه نماز و روزه و تلاوت قرآن او بیش از حد معمول بوده باشد.»

[۱۹] مجلسی، **مجدباقر**، **بحارالانوار**، مجلسی، ج ۹۳، ص ۱۵۶.

از این احادیث، بخوبی روشن می‌شود که منظور از ذکر، تنها ذکر زبانی نیست، گرچه ذکر زبانی هم ذکر بوده در مکتب اسلام دارای اهمیت است، لکن مقصود حقیقی از ذکر خدا، رسیدن به درجه‌ای از ایمان و اعتقاد است، که انسان بر اثر آن، پیوسته خود را زیر نظر خدا دانسته، و در نهان و آشکار، او را شاهد و ناظر اعمالش بداند و از زشتی‌ها دوری گزیده و وظایف خود را برابر او انجام دهد. به عبارت دیگر، حقیقت ذکر، توجه قلبی به خداوند متعال است که در اعمال انسان پرتو افکند.

انواع ذکر

ذکر خدا انواعی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

اقسام ذکر

ذکر را به اعتبارات گوناگون دارای اقسامی متعدّد دانسته‌اند؛ همانند ذکر قلبی و زبانی، ذکر نام‌های خدا و صفات الهی، مدح و ثناک باری تعالی و **توحید** و تنزیه او و یاد نعمت‌های دنیوی و اخروی و رحمانیت و رحیمیت خداوند. ذکر قلبی را **ذکر خفی** نیز گویند؛

[۲۰] اعراف/سوره ۷، آیه ۵۵.

[۲۱] سوره اعراف/سوره ۷، آیه ۲۰۵.

[۲۲] کلینی، **مجد بن یعقوب**، **اصول کافی**، ج ۲، ص ۵۰۲.

ذکر زبانی به جا آوردن حمد و ثناء الهی، نجوا کردن (آهسته حرف زدن)، درد دل کردن، درخواست کمک از درگاه خدای سبحان و پناه بردن از شر شیاطین انس و جن به آن بارگاه مقدس است. ذکر زبانی گرچه از تمام مراتب ذکر، نازلتر است ولی در عین حال مفید فایده است. زیرا که زبان در این ذکر به وظیفه خود قیام کرده و به علاوه ممکن است این تذکر پس از مداومت و قیام به شرایط آن، اسباب باز شدن زبان قلب نیز بشود. [۲۳] خمینی، روح‌الله، اربعین حدیث، ج ۱، ص ۲۵۰، نشر فرهنگی رجا.

در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) این‌گونه ذکر، زیاد به چشم می‌خورد و حتی مورد سفارش قرار گرفته است. چنانچه خود آن بزرگواران نیز در این زمینه الگوی پیروان خود هستند. امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «... پدرم «کتیرالذکر» بود. من او را هنگام غذا خوردن و راه رفتن در حال ذکر گفتن خدا می‌یافتم، حتی صحبت کردن با دیگران، او را از یاد خدا باز نمی‌داشت. زبانش با گفتن «لااله الاالله» به کامش چسبیده بود. او ما را جمع می‌کرد. کسانی را که قرآن خواندن می‌دانستند به قرائت قرآن و کسانی را که قرآن خواندن نمی‌دانستند، به ذکر خدا فرمان می‌داد تا خورشید طلوع کند». [۲۴] کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۴۹۹.

تسبیحات حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها)، گفتن **تسبیحات اربعه**، «یا الله» و «یا ربّ»، «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» و **استغفار** و مانند آن، از جمله ذکرهای زبانی می‌باشند که هر کدام **تواب** مخصوصی داشته و اثر ارزنده‌ای در انسان ایجاد می‌کند. باید توجه داشت که ذکر زبانی لقلقه زبان نشود و همراه با غفلت دل نباشد، بلکه ذکر زبانی نشان ذکر قلبی و ابراز مکنون دل باشد یا دست‌کم مقدمه ذکر قلبی گردد.

← ذکر قلبی

ذکر قلبی همان توجه قلبی به خدای سبحان است که دل را صفا و صیقل داده، جلوه‌گاه محبوب می‌کند و **روح** را تصفیه کرده، انسان را از **قید اسارت نفس** می‌رهاند. اگر قلب به تذکر محبوب و یاد حق تبارک‌وتعالی عادت کرد و با آن عجین شد، انسان را دگرگون می‌کند، بطوری که حرکات و سکنات **چشم**، **زبان**، **دست**، **پا** و سایر اعضا، با ذکر حق انجام می‌گیرد و برخلاف وظایف، امری انجام نمی‌دهند. کامل‌ترین و بهترین مراتب ذکر نیز همین است که در همه مراتب انسانی، جاری شده و حکمش ظاهر و باطن و نهان و آشکار را در برگیرد و اگر ذکر زبانی نیز از نظر مکتب اسلام مطلوب است و به آن سفارش شده، سرّش در آن است که زبان قلب گشوده شود و بحدی برسد که زبان، چشم، گوش و سایر اعضای بدن از قلب پیروی کنند تا بدین‌وسیله دل برای ورود صاحب منزل، پاک و پاکیزه گردد.

علی (علیه‌السلام) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ جَعَلَ الذِّكْرَ جَلَاءَ لِقُلُوبٍ...»؛

[۲۵] آمدی، عبدالواحد بن محمد، شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۲۲۵.

همانا خداوند سبحان، ذکر را جلا و صفای دل‌ها قرار داده است....»

امام خمینی (قدس‌سره) می‌نویسد: «پس ای عزیز! در راه ذکر و یاد محبوب، تحمّل مشاقّ هرچه بکنی، کم کرده‌ای. دل را عادت بده به یاد محبوب، بلکه به خواست خدا، صورت قلب، صورت ذکر حق شود و کلمه طیّبه لاله‌الاله صورت اخیره و کمال اقصای نفس گردد که از این زادی بهتر برای سلوک الی‌الله و مُصلحی نیکوتر برای معایب نفس و راهبری خوب‌تر در معارف الهیه یافت نشود.

پس اگر طالب کمالات... و مهاجر الی‌الله هستی، قلب را عادت بده به تذکر محبوب...»

[۲۶] خمینی، روح‌الله، اربعین حدیث، ج ۱، ص ۲۴۹.

← ذکر عملی

ذکر عملی آن است که انسان در عمل، **خدا** را ناظر و شاهد اعمال و رفتار خود دانسته، هرجا که صحبت واجب باشد، آنجا حاضر بوده و هرجا که صحبت از معارم الهی، **گناه** و نافرمانی خدا باشد، غایب باشد و در حال گناه و نافرمانی دیده نشود. این نوع ذکر در **آیات قرآن**، به تعبیر گوناگون، در مورد اعمال انسانی به کار رفته است

آثار ذکر

ذکر خدا و یادآوری صفات و نعمت‌های الهی، نیاز حیاتی برای انسان بودن و انسان زیستن است. یاد خدا نگهبان هویت انسان و پاسدار ارزش‌های معنوی است. ذکر خدا ریشه صلاح قلب و موجب آبادی و حیات آن و روشن‌بینی، اطمینان و آرامش دل است. اینک به برخی از آثار ارزنده ذکر خدا می‌پردازیم:

اوصاف ذکر از منظر قرآن

قرآن کریم، ذکر را غایت نماز دانسته است.

[۲۷] عنکبوت/سوره ۲۹، آیه ۴۵.

و فرموده است که شرط آنکه خداوند، بندگانش را یاد کند، این است که آنان او را یاد کنند.

[۲۸] بقره/سوره ۲، آیه ۱۵۲.

همچنین، ذکر را از صفات خردمندان شمرده

[۲۹] رعد/سوره ۱۳، آیه ۱۹.

و مایه آرامش دل‌ها

[۳۰] رعد/سوره ۱۳، آیه ۲۸.

و روی گردانی از آن را موجب سختی و تنگی معیشت دانسته است.

[۳۱] طه/سوره ۲۰، آیه ۱۲۴.

در وصف پندگاران نیک خدا فرموده است: «انان مردانی‌اند که دادوستد و خریدوفروش از یاد خدا بازمان نمی‌دارد.»

[۳۲] نور/سوره ۲۴، آیه ۳۷.

قرآن فرمان می‌دهد که **مسلمانان** همواره به یاد خدا و نعمت‌های الهی باشند.

[۳۳] سوره بقره/سوره ۲، آیه ۱۹۱.

و از انسان‌ها خواسته است که در مصیبت‌ها و گرفتاری‌ها، دل خویش را به یاد پروردگار نیرو بخشند؛

[۳۴] بقره/سوره ۲، آیه ۱۵۶.

و یکی از ویژگی‌های **مناققان** را آن دانسته است که از یاد خدا غافل‌اند و اگر او را یاد کنند، از روی خودنمایی است؛

[۳۵] نساء/سوره ۴، آیه ۱۴۳.

قرآن از **پیامبران الهی** خواسته است تا خدا را یاد کنند و نعمت‌هایش را به **فراموشی** نسپارند و این را مایه قرب آنان به پروردگار دانسته است؛

[۳۶] مائده/سوره ۵، آیه ۱۱۰.

همچنین اقوامی همانند **بنی اسرائیل** را چون خدا را فراموش کرده‌اند، به سختی نکوهیده است: [۳۷] بقره/سوره ۲، آیه ۴۰.

← آرامش و اطمینان دل

روح انسان ربّانی است، قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي؛ [۳۸] اسراء/سوره ۱۷، آیه ۸۵.

تَقَخْتُ فِيهِ مِنْ زَوْجِي؛

[۳۹] حجر/سوره ۱۵، آیه ۲۹.

تا با خدا پیوند نداشته باشد، فرار و آرام نمی‌گیرد، پیوند روح و دل انسان با خدا به وسیله یاد خدا پدید می‌آید و برقرار می‌ماند. علت اصلی اضطراب‌ها و آشفتگی‌های روانی، خستگی‌ها و افسردگی‌های روحی انسان دوره صنعتی، غفلت از یاد خداست. برای آرامش دل باید به یاد خدا روی آورد: «أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ»؛

[۴۰] رعد/سوره ۱۳، آیه ۲۸.

آگاه باشید که با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرند.»

← توجه خدا به انسان

در صورتی که انسان به یاد خدا باشد، خدا نیز به یاد اوست و توجه خدا که مدیر و **مدبّر** همه امور است به انسان همه مشکلات جسمی و روحی او را برطرف می‌سازد، خداوند می‌فرماید: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ»؛

[۴۱] بقره/سوره ۲، آیه ۱۵۲.

به یاد من باشید تا به یاد شما باشم.»

← رستگاری

قرآن کریم می‌فرماید: «... وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛

[۴۲] جمعه/سوره ۶۲، آیه ۱۰.

زیاد به یاد خدا باشید، امید است رستگار شوید.»

حقیقت ذکر

ذکر را وسیله ارتباط با خدا دانسته‌اند و نشانه آن، نسیان غیر است.

[۴۳] مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۳، ص ۳۳۱.

از پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل است که «هر کس خدای را اطاعت کند، ذاکر است هر چند **نماز**، فراوان نگذارد و قرآن، بسیار نخواند.»

[۴۴] مجلسی، مجدباقر، بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۴۷.

امام علی (علیه‌السلام) در روایتی، ذکر را دو گونه شمرده است:

یکی ذکر خدا هنگام مواجهه با سختی و دشواری و دوم، هنگام وسوسه گناه و از میان این دو، نخستین‌گونه برتر است.

[۴۵] قمی، عباس، سفینه البحار، ج ۳، ص ۲۰۰.

از **روایات** بر می‌آید که مهم‌ترین نشانه ذکر راستین این است که آدمی خدا را فرمان برد و از گناهان دوری کند.

[۴۶] مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۰۸.

موانع ذکر

در آیات قرآن و **روایات اسلامی** موانعی چند، که انسان را از یاد خدا باز می‌دارد به چشم می‌خورد. در اینجا به ذکر برخی از آنها بسنده می‌کنیم:

← دل مشغولی

الهاء به معنای مشغول ساختن دل و ذهن و غفلت از خداست. قرآن کریم می‌فرماید:

«الْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ»؛

[۴۷] تکاثر/سوره ۱۰۲، آیه ۱.

تکاثر شما را به غفلت از یاد خدا دچار ساخته است.»

← اموال و اولاد

گاهی اموال و اولاد انسان را از یاد خدا باز می‌دارند. قرآن کریم به مؤمنان چنین هشدار می‌دهد:

«بِأَيِّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُهَكِّمُوا أَمْوَالَكُمْ وَلَا أَوْلَادَكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ»؛

[۴۸] منافقون/سوره ۶۳، آیه ۹.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال و اولادتان شما را از ذکر خدا غافل نکنند.»

← آرزوهای طولانی

گاهی آرزوهای دراز انسان را به خود مشغول می‌سازد و در نتیجه از یاد خدا باز می‌دارد. خدای تعالی درباره **کافران** به رسولش خطاب کرده، می‌فرماید:

«ذُرِّهِمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ»؛

[۴۹] حجر/سوره ۱۵، آیه ۳.

آن‌ها را رها کن تا بخورند و بهره ببرند و آرزوهایشان آنان را مشغول سازد. سپس در آینده خواهند فهمید.»

← دوستان گمراه

اسلام توصیه کرده که پیروانش با هر کس طرح دوستی نریزند؛ زیرا این امر انسان را از راه حق و یاد خدا باز می‌دارد. از این رو، قرآن کریم می‌فرماید: «فَاعْرِضْ عَن مَّن تَوَلَّىٰ عَن دُبُرَيْهَا أَوْ لَمْ يُؤدِّ إِلَيْهَا الْحَايَةَ الدُّنْيَا؛ [۵۰] نجم/سوره ۵۳، آیه ۲۹».

از کسی که از یاد ما روی گردانیده و جز زندگی دنیا خواسته‌ای ندارد، روی گردان. از حضرت عیسی (علیه‌السلام) نقل شده که فرمود: «با کسی همنشین کنی که دیدنش شما را به یاد خدا می‌اندازد.» [۵۱] ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۴۴، ترجمه علی اکبر غفاری، اسلامیه.

← پیروی از هوای نفس

حضرت علی (علیه‌السلام) فرمود: «لَيْسَ فِي الْمَعَاصِي أَشَدُّ مِنْ إِيْبَاعِ الشَّهْوَةِ، فَلَا تُطِعُوهَا فَتَشْغَلَكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ؛ [۵۲] آمدی، عبدالواحد بن مجد، شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۵۶۰».

در گناهان، چیزی سخت‌تر از پیروی شهوت نیست، پس از آن پیروی نکنید که شما را از یاد خدا باز می‌دارد.»

← چشم‌چرانی

علی (علیه‌السلام) فرمود: «لَيْسَ فِي الْجَوَارِحِ أَقَلُّ شُكْرًا مِنَ الْعَيْنِ، فَلَا تُعْطُوها سُؤْلَهَا فَتَشْغَلَكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ؛ [۵۳] آمدی، عبدالواحد بن مجد، شرح غررالحکم، آمدی، ج ۱، ص ۵۶۰».

در بین اعضا کم‌سپاس‌تر از چشم (عضوی) نیست، پس خواسته‌هایش را به آن ندهید که شما را از یاد خدا باز می‌دارد.»

مقصود این است که اگر چشم انسان به هر چه بیفتد دل را به سوی آن متوجه می‌سازد و هرچه در پی دیده‌های چشم و خواسته‌های دل بروی سپاس و تقدیر نمی‌بینی، باز هم برخواسته‌ها افزوده می‌گردد و این کار انسان را از یاد خدا باز می‌دارد. بابا طاهر می‌گوید: زدست دیده و دل هر دو فریاد هر آنچه دیده بیند دل کند یاد.

نکوهش ترک ذکر خدا

همه مصیبت‌ها و گرفتاری‌ها بر اثر نفس اماره شیطانی و غفلت از یاد خدا و عذاب اوست. غفلت از خدا و ترک ذکر، کدورت دل را زیاد کرده، نفس و شیطان را بر انسان، مسلط می‌کند و مفسد را روز افزون کرده، انسان را به ورطه هلاکت می‌اندازد. از این رو، قرآن مجید، روی‌گردانی از ذکر خدا و غفلت از آن بارگاه شریف را سخت مورد نکوهش قرار داده، می‌فرماید: «قَوْلٌ لِّلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ؛ [۵۴] زمر/سوره ۳۹، آیه ۲۲».

واک بر سخت‌دلانی که یاد خدا در دل‌هایشان راه ندارد.»

همچنین می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْزُضْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا؛ [۵۵] جن/سوره ۷۳، آیه ۱۷».

هر کس از یاد پروردگارش روی گرداند، (خدا) او را به عذابی دشوار دچار سازد.»

کسی که از یاد خدا خودداری کند، باطنش کور گشته، آیات و جلوه‌های الهی را نمی‌بیند، زندگی او بی‌فروغ بوده و در بن‌بست‌های زندگی پناه‌گاهی ندارد. آن کوری باطنی و فراموشی آیات و مظاهر جمال و جلال الهی، در روز قیامت نیز تجسم پیدا می‌کند. چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: «مَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ تَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى؛ [۵۶] طه/سوره ۲۰، آیه ۱۲۴».

هر کس از یاد من، روی بگرداند، زندگی‌اش تنگ شود و در روز قیامت نابینا محسورش سازیم.»

قرآن نعمت‌های الهی را به بندگانش گوشزد کرده، آن‌ها را از ترک ذکر و غفلت از آن نهی می‌کند و می‌فرماید: «قُلْ مَنْ يَكْلُؤْكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ؛ [۵۷] انبیا/سوره ۲۱، آیه ۴۲».

بگو: کیست آن که شما را شب و روز از قهر خدای رحمان حفظ می‌کند؟ با این همه از یاد کردن پروردگارش روی می‌گردانند.»

همچنین در جای دیگر می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ؛ [۵۸] حشر/سوره ۵۹، آیه ۱۹».

از آن کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز چنان کرد تا خود را فراموش کنند.»

حال که خداوند الطاف خود را از ما دریغ نکرده و هرچیز که لازم بوده به ما ارزانی داشته، آیا وقت آن نرسیده که دل به او داده و در برابرش فروتن باشیم، به او پناه بریم تا از بن‌بست‌ها و گرفتاری‌ها، اضطراب‌ها، دلهره‌ها، پوچی‌ها، بی‌هدفی‌ها و افسارگسیختگی‌ها نجات یابیم.

«أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ...؛ [۵۹] حدید/سوره ۵۷، آیه ۱۶».

آیا مؤمنان را وقت آن نرسیده است که دل‌هایشان در برابر یاد خدا فروهیده شود.»

پانویس

- ↑ قریشی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، ج ۳، ص ۱۵، به نقل از مفردات قرآن، اسلامیه.
- ↑ راغب اصفهانی، حسین بن مجد، مفردات، ص ۱۷۹، ذیل واژه ذکر.
- ↑ نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، ج ۲، ص ۳۶۵.
- ↑ مجلسی، مجد باقر، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۵۱.
- ↑ قمی، عباس، سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۰۱.
- ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۱۵۲.
- ↑ اعراف/سوره ۷، آیه ۲۰۱.
- ↑ نور/سوره ۲۴، آیات ۲۸-۳۷.
- ↑ طه/سوره ۲۰، آیه ۱۲۴.
- ↑ احزاب/سوره ۳۳، آیه ۴۱.
- ↑ ابن فهد حلی، احمد، عده الداعی، ص ۳۳۸.
- ↑ آمدی، عبدالواحد بن مجد، شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۳۷۰.
- ↑ کلینی، مجد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۴۹۸.
- ↑ حشر/سوره ۵۹، آیه ۱۸.
- ↑ غافر/سوره ۴۰، آیه ۱۹.
- ↑ حدید/سوره ۵۷، آیه ۴.
- ↑ ق/سوره ۵۰، آیه ۱۶.
- ↑ مجلسی، مجد باقر، بحار الانوار، مجلسی، ج ۹۳، ص ۱۵۱.

۱۹. ↑ مجلسی، مجدباقر، بحارالانوار، مجلسی، ج ۹۳، ص ۱۵۶.
۲۰. ↑ اعراف/سوره ۷، آیه ۵۵.
۲۱. ↑ سوره اعراف/سوره ۷، آیه ۲۰۵.
۲۲. ↑ کلینی، مجد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۵۰۲.
۲۳. ↑ خمینی، روح‌الله، اربعین حدیث، ج ۱، ص ۲۵۰، نشر فرهنگی رجا.
۲۴. ↑ کلینی، مجد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۴۹۹.
۲۵. ↑ آمدی، عبدالواحد بن مجد، شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۲۳۵.
۲۶. ↑ خمینی، روح‌الله، اربعین حدیث، ج ۱، ص ۲۴۹.
۲۷. ↑ عنکبوت/سوره ۲۹، آیه ۴۵.
۲۸. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۱۵۲.
۲۹. ↑ رعد/سوره ۱۳، آیه ۱۹.
۳۰. ↑ رعد/سوره ۱۳، آیه ۲۸.
۳۱. ↑ طه/سوره ۲۰، آیه ۱۲۴.
۳۲. ↑ نور/سوره ۲۴، آیه ۳۷.
۳۳. ↑ سوره بقره/سوره ۲، آیه ۱۹۱.
۳۴. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۱۵۶.
۳۵. ↑ نساء/سوره ۴، آیه ۱۴۳.
۳۶. ↑ مائده/سوره ۵، آیه ۱۱۰.
۳۷. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۴۰.
۳۸. ↑ اسراء/سوره ۱۷، آیه ۸۵.
۳۹. ↑ حجر/سوره ۱۵، آیه ۲۹.
۴۰. ↑ رعد/سوره ۱۳، آیه ۲۸.
۴۱. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۱۵۲.
۴۲. ↑ جمعه/سوره ۶۲، آیه ۱۰.
۴۳. ↑ مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۳، ص ۳۲۱.
۴۴. ↑ مجلسی، مجدباقر، بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۴۷.
۴۵. ↑ قمی، عباس، سفینه البحار، ج ۳، ص ۲۰۰.
۴۶. ↑ مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۰۸.
۴۷. ↑ تکوین/سوره ۱۰۲، آیه ۱.
۴۸. ↑ منافقون/سوره ۶۳، آیه ۹.
۴۹. ↑ حجر/سوره ۱۵، آیه ۳.
۵۰. ↑ نجم/سوره ۵۳، آیه ۲۹.
۵۱. ↑ ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۴۴، ترجمه علی اکبر غفاری، اسلامیه.
۵۲. ↑ آمدی، عبدالواحد بن مجد، شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۵۶۰.
۵۳. ↑ آمدی، عبدالواحد بن مجد، شرح غررالحکم، آمدی، ج ۱، ص ۵۶۰.
۵۴. ↑ زمر/سوره ۳۹، آیه ۲۲.
۵۵. ↑ جن/سوره ۷۲، آیه ۱۷.
۵۶. ↑ طه/سوره ۲۰، آیه ۱۲۴.
۵۷. ↑ انبیا/سوره ۲۱، آیه ۴۲.
۵۸. ↑ حشر/سوره ۵۹، آیه ۱۹.
۵۹. ↑ حدید/سوره ۵۷، آیه ۱۶.

منبع

سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «ذکر»، تاریخ بازبینی ۱۳۹۶/۰۱/۱۹.
فرهنگ شیعه، ص ۲۶۶.

رده‌های این صفحه : اخلاق اسلامی | ذکر | فضائل اخلاقی | مقالات اندیشه قم